



The influence of Quranic concepts on family laws in Islamic countries

Seyed Mahdi Dadmarzi^{id}

Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, Qom University, Qom, Iran.
M.dadmarzi@qom.ac.ir

Abstract

The Qur'an is introduced as the main source of legislation in the constitutions of many Islamic countries. The main question of the current research is that despite the emphasis of the constitutions of Islamic countries on the authority of the Qur'an in the subject laws of the country, what is the reflection of this in the regulations of personal status? In this research, the role of Quranic concepts about some aspects of marriage has been investigated in a comparative manner as an example of the examples presented in several Islamic countries. In this regard, the personal status laws of the Arab, non-secular and neighboring countries of Iran, including Kuwait, Iraq, Oman, the United Arab Emirates, and Jordan, and the civil law of Iran have been taken into consideration. Therefore, an attempt has been made to move toward the integration of the Islamic family law system in the region and beyond by introducing Quranic concepts that are used or can be used in family laws. The results showed that in the laws of the studied Arab countries, marriage is defined as "marriage" explicitly and using the Qur'anic concepts of "modat, mercy and residence" and its nature is considered a contract. Due to the prohibition of annulled marriage in the jurisprudence and laws of these countries, the permanence of marriage does not need to be specified, and it has been emphasized on marriage in order to form a family. In the civil law of Iran, marriage with the title "Nikah" which has more and more accurate use to express the relationship between husband and wife in Quranic usages, and its two types, temporary and permanent, have been considered; But it is not defined and at the same time, the contract of knowing it is clearly accepted. However, in the laws of these countries, attention to the Qur'anic form of "thick covenant" to express the nature of marriage instead of contract and covenant, unlike some western countries, has been neglected.

Keywords: Quran, Islamic family law, Marriage, Nikah, Marriage, Covenant.

Cite this article: Dadmarzi, S.M. (2024). The influence of Quranic concepts on family laws in Islamic countries. *The Doctrine of Private Law in Islamic Countries*, 1(2), p. 47-64.
<https://doi.org/10.22091/dplic.2024.11106.1026>

Received: 2024/02/05 ; **Revised:** 2024/03/11 ; **Accepted:** 2024/04/18 ; **Published online:** 2024/06/22

© The Author(s).

Article type: Research Article

Published by: University of Qom.





تأثیر مفاهیم قرآنی بر قوانین خانواده در کشورهای اسلامی

سید مهدی دادمرزی^۱

دانشیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. M.dadmarzi@qom.ac.ir

چکیده

قرآن در قوانین اساسی بسیاری از کشورهای اسلامی، منبع اصلی تقنین معرفی شده است. سوال اصلی پژوهش حاضر این است که با وجود تأکید قوانین اساسی کشورهای اسلامی بر مرجعیت قرآن در حقوق موضوعه کشور، بازتاب این امر در مقررات احوال شخصیه چیست؟ در این پژوهش صرفاً نقش مفاهیم قرآنی پیرامون جنبه‌هایی از ازدواج به عنوان مصداقی از مصادیق مطرح در چند کشور اسلامی، به صورت مقایسه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. در این راستا، قوانین احوال شخصیه کشورهای عربی، غیرسکولار و همسایه ایران از جمله کویت، عراق، امارات متحده عربی و اردن و قانون مدنی ایران مدنظر بوده است. بنابراین، تلاش شده است با معرفی مفاهیم قرآنی به کار گرفته شده یا قابل به کارگیری در قوانین خانواده، به سمت یکپارچگی نظام حقوق خانواده اسلامی در منطقه و فراتر از آن حرکت شود. نتایج نشان داد، در قوانین کشورهای عربی مورد مطالعه، ازدواج با عنوان «زواج»، صریحاً و با استفاده از مفاهیم قرآنی «مودت، رحمت و سکونت» تعریف و ماهیت آن، عقد دانسته شده است. به جهت ممنوعیت عقد منقطع در فقه و حقوق این کشورها، دائمی بودن نکاح به تصریح نیاز نداشته و به ابتدای تشکیل خانواده بر ازدواج تأکید گردیده است. در قانون مدنی ایران، ازدواج با عنوان «نکاح» که از کاربرد بیشتر و دقیق‌تری برای بیان رابطه زن و شوهری در استعمالات قرآنی برخوردار است، و دو نوع موقت و دائم آن مورد توجه بوده است؛ اما تعریف نشده و در عین حال، عقد دانستن آن به وضوح مورد پذیرش قرار گرفته است. با این حال در قوانین این کشورها، توجه به قالب قرآنی «میثاق غلیظ» برای بیان ماهیت ازدواج به جای عقد و قرارداد و عهد، برخلاف پاره‌ای کشورهای غربی، مغفول مانده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، حقوق خانواده اسلامی، زواج، نکاح، ازدواج، میثاق غلیظ، عراق، عمان، امارات متحده عربی، اردن، قانون مدنی ایران.

استاد به این مقاله: دادمرزی، سید مهدی (۱۴۰۳). تأثیر مفاهیم قرآنی بر قوانین خانواده در کشورهای اسلامی. آموزه‌های حقوق خصوصی

کشورهای اسلامی، ۲۱(۱)، ص. ۴۷-۶۴. <https://doi.org/10.22091/dplic.2024.11106.1026>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۶ ؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۲/۲۱ ؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۳۰ ؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲

ناشر: دانشگاه قم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



۱. مقدمه

قرآن کریم به عنوان مهم‌ترین منبع شریعت اسلام که مورد اتفاق تمام فرق و مذاهب اسلامی است، در قوانین اساسی بسیاری از کشورهای اسلامی صراحتاً به عنوان منبع اصلی قانونگذاری معرفی شده است. مرجعیت قرآن کریم در پاره‌ای دیگر از قوانین اساسی این کشورها در ضمن معرفی تشریع اسلامی به عنوان اساس قانونگذاری آن کشور به گونه‌ای ضمنی، مورد تأکید است. به عنوان نمونه، در مقدمه و اصول قانون اساسی پاکستان، ۱۷ مرتبه واژه «قرآن» و اغلب در کنار «سنت»^۱ و مقدم بر آن به کار رفته و در اصل ۲۰۳ آن، برای رسیدگی قضایی براساس احکام کتاب و سنت، مقرراتی وضع شده است. اصل دوم قانون اساسی مصر (الدستور المصری المعدل ۲۰۱۹)، «اصول شریعت اسلامی»؛ و اصل دوم قانون اساسی کویت (الدستور دولة الكويت) و اصل هفتم قانون اساسی امارات متحده عربی (دستور الدله الامارات العربیه المتحده) «شریعت اسلامی» را به عنوان «منبع اصلی قانونگذاری» معرفی می‌کند. اصل دوم قانون اساسی عراق (دستور جمهوریه العراق)، اسلام را «منبع اساسی قانونگذاری» ذکر و «تصویب قوانین برخلاف احکام ثابت اسلام» را ممنوع اعلام می‌کند. اصل دوم قانون اساسی عمان، «شریعت اسلامی» را «اساس قانونگذاری» می‌داند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پنج مرتبه واژه «قرآن» به صورت مطلق یا موصوف به وصف «کریم» یا «مجید» یا در کنار «سنت» ذکر شده است. در مقدمه قانون اساسی ایران بارها به آیات قرآن استناد شده و یکی از خصائص حکومت اسلامی چنین معرفی شده است: «قانونگذاری که مبین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است، بر مدار قرآن و سنت جریان می‌یابد». اصل اول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین است: «حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، براساس اعتقاد دیرینه به حکومت حق و عدل قرآن، ... به آن رأی مثبت داد». با عنایت به تأکید نقش بی‌بدیل قرآن به عنوان منبع اصلی شریعت اسلام در قوانین اساسی بسیاری از کشورهای اسلامی و کشور ایران به عنوان یکی از منابع حقوق است که با قاطعیت می‌توان گفت: قرآن کریم در این کشورها مهم‌ترین منبع حقوق به‌شمار می‌آید.

قرآن کریم به عنوان نسخه جامع هدایت و سعادت بشر نمی‌تواند صرفاً محصور در چارچوب الزامات فقهی یا مقررات حقوقی ملهم از آن باشد و از همین منظر است که شمار آیات فقهی قرآن، مطابق دیدگاه مشهور عالمان اسلامی، حدود ۵۰۰ آیه از بیش از شش هزار آیه از مجموع آیات قرآن است (صادقی کوشکی، ۱۳۹۰، ص ۴۰). اما از آنجا که مهم‌ترین منبع اجتهاد در فرایند تفقه، قرآن کریم است و در بالاترین متن قانونی کشورهای اسلامی به عنوان منبع حقوق مطرح است؛ بنابراین، نمی‌توان در استخراج احکام مورد نظر به ویژه با نگاه حکومتی، از مراجعه به قرآن غافل شد. البته در فقه امامیه به جهت ترسیم خطوط کلی احکام فقهی در قرآن و ذکر همان احکام با جزئیات لازم در روایات، فقها در فرایند استنباط

فقهی کمتر به قرآن پرداخته‌اند. به عبارت دیگر، وقتی دغدغه عمده فقیه شیعی، استنباط حکم جزئی است و قرآن غالباً وارد جزئیات احکام فقهی نمی‌شود و در سنت معصومین در طول ۲۵۰ سال نه تنها همان اشاره قرآنی، بلکه تفصیلات آن نیز آمده است؛ پس چنین منطق استنباطی اقتضاء دارد که در قیاس با فقه عامه، سنت به عنوان منبع اجتهاد، مورد مراجعه بیشتری قرار گیرد و قرآن به طور مستقل از سازوکار اجتهاد، کمتر برجسته باشد.

مفسرین برجسته قرآن نیز به هنگام مواجهه با آیات الاحکام، به شدت از ارائه تفصیلی بحث با روش فقهی پرهیز دارند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۶۲، ۶۶۹؛ ج ۴، ص ۲۷۲، ۳۱۶، ۳۵۰، ۴۴۶، ۴۷۵، ۶۰۳؛ ج ۵، ص ۶۳، ۱۰۸، ۲۹۶، ۳۰۰، ۳۳۱، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۵۵، ۵۳۴، ۵۳۹، ۵۷۰؛ ج ۶، ص ۱۶۵، ۲۹۷؛ ج ۷، ص ۴۶۲؛ ج ۸، ص ۵۰۵؛ ج ۹، ص ۷، ۱۳۹، ۳۳۷، ۴۱۸). بررسی نقش قرآن در حقوق موضوعه کشورهای اسلامی، خواه در کلیت نظام حقوقی و خواه در قلمرو خاصی از حقوق موضوعه مانند: «حقوق خانواده»، هم می‌تواند با رویکرد یافتن «گزاره‌های قرآنی» مذکور در قوانین که دربردارنده «حکم» هستند، انجام شود و هم می‌تواند با رویکرد یافتن «مفاهیم» قرآنی به کار رفته در متن قوانین موضوعه که ظرف مفهومی احکام مورد نظر مقنن را تشکیل می‌دهند، به عمل آید. همچنین رهگیری تاثیر قرآن در حقوق موضوعه می‌تواند محدود به یک کشور باشد، یا آنکه با رویکرد مقایسه‌ای به عمل آید. در رویکرد مقایسه‌ای نیز می‌توان با عنایت به متغیرهای خاصی مانند جغرافیا، زبان، سکولار بودن و نبود حکومت و ... و طی دسته‌بندی‌های خاصی، کار را به انجام رسانید؛ مانند حقوق کشورهای اسلامی عربی یا حقوق کشورهای اسلامی غیرعربی، حقوق کشورهای اسلامی شرق آسیا (خاورمیانه) و مانند آن.^۱

در پژوهش حاضر با عنایت به محدودیت ظرفیت یک مقاله و نیز تازگی موضوع، صرفاً «مفاهیم قرآنی» در «حقوق خانواده» کشورهای کویت، عراق، عمان، امارات متحده عربی و اردن! که از جهت زبان عربی، مشترک و از جنبه شاکله نظام حقوقی، تا اندازه‌ای هم‌سنخ و غیرسکولار بوده و همگی در همسایگی کشور ما قرار دارند، مورد بحث قرار گرفته و دستاورد پژوهش با حقوق موضوعه ایران و محوریت قانون مدنی، از منظر یاد شده مقایسه می‌شود. اختیار واژه «مفاهیم» به جای «الفاظ» یا «اصطلاحات» قرآنی در عنوان مقاله برای تاکید بر این امر است که قرآن به عنوان کلام خالق بشر، در عین به کار بردن زبان قوم و الفاظ متداول در عرف، از غنابخشی هدایت‌گرانه و اشراق معانی بلند و بدیع مورد نظر خالق در طول معانی عرفی الفاظ، غافل نبوده است. هدف آن است که با آشنایی نسبت به

۱. نویسنده اعتقاد دارد در مقیاس جهانی نیز می‌توان تاثیر شریعت اسلام با عنوان شناخته شده و امروزی Sharia Law و احکام قرآنی موجود در آن را حداقل در قلمرو احوال شخصیه و مشخصاً حقوق خانواده در حقوق موضوعه کشورهای غیراسلامی و حتی غربی نیز دست‌مایه پژوهش‌های مفیدی کرد.

مفاهیم قرآنی به کار رفته در قوانین خانواده کشورهای اسلامی، ضمن غنا بخشیدن به مفاهیم قرآنی قابل به کارگیری در قوانین خانواده در کشور ایران، به سمت همسان سازی و یکپارچگی نظام حقوق خانواده اسلامی در میان امت مسلمان در منطقه خود و فراتر از آن حرکت کنیم و حتی در سطحی جهانی، چراغ مفاهیم قانونی مبتنی بر بنیان های جاودانه و وحیانی قرآن را پیش روی بشریت قرار دهیم؛ به ویژه که در سالیان اخیر، تلاش گسترده ای را از سوی مراکز دانشگاهی کشورهای غربی در معرفی «حقوق خانواده اسلامی»^۱ شاهد هستیم.^۲ بدون تردید سکون و رکود در عرصه تقنین در قلمرو حقوق خانواده و نادیده گرفتن روشمند اقتضائات دنیای امروز و کاستی های قوانین احوال شخصیه کشورهای اسلامی یا قانون مدنی ارزشمند ما منظور نیست؛ اما این تبه نباید با غفلت از نقش بنیان های استوار اعتقادی و منبع خطاناپذیر وحی در ساختار نظام حقوقی بومی کشورهای اسلامی و وادادگی در برابر هجوم رسانه ای گسترده غربی ها و گرته برداری های نامأنوس با مفاهیم بنیادین قرآن کریم در عرصه حقوق خانواده که تنیده در باورهای دینی مردم مسلمان این کشورها است، همراه شود.

۲. مفهوم کشورهای اسلامی و جهان اسلام

مطابق تعریف سازمان کنفرانس اسلامی، «کشور اسلامی» به کشوری گفته می شود که اکثر جمعیت آن را مسلمانان تشکیل دهند (دبلیو، ۱۳۸۱، ص ۳۵). براساس گزارش سال ۲۰۱۱ مرکز پژوهشی پیو،^۳ ۴۹ کشور در جهان، دارای اکثریت مسلمان هستند. جمعیت مسلمانان جهان تا سال ۲۰۳۰ به دو میلیارد و دویست میلیون نفر خواهد رسید. کشورهای اسلامی، سه چهارم جمعیت مسلمانان جهان را در خود جای داده اند. حدود ۲۵ درصد باقی مسلمانان در کشورهایی با اکثریت جمعیت غیرمسلمان زندگی می کنند. بیش از ۸۰ درصد مسلمانان جهان، سنی مذهب هستند.^۴ همین پراکندگی جمعیت مسلمانان در کشورهای غیراسلامی که گاهی مانند هندوستان، شمار اقلیت مسلمان آن، از جمعیت بسیاری از کشورهای اسلامی بیشتر است؛ موجب می شود تا مفهوم دقیق «جهان اسلام» از کشورهای اسلامی متمایز و شامل تمامی مسلمانان جهان گردد. با این حال از جهت استعمال، به نظر می رسد معمولاً مراد

1. Islamic Family Law

۲. قابلیت یکپارچگی سازی در «حقوق خانواده کشورهای اسلامی» و نیاز به آگاهی نظام قضایی کشورهای غربی به اعمال «حقوق شریعت» بر احوال شخصیه شهروندان مسلمان، به اندازه ای است که در سال های اخیر کتاب های بسیاری با عنوان «حقوق خانواده اسلامی» در کشورهای غربی به ویژه آمریکا منتشر شده است!! یکی از این کتاب ها که محصول کار گروهی در یکی از دانشگاه های آمریکا بوده است و از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه و به گونه تحقیقی و انتقادی به جامعه علمی معرفی شده است، این اثر می باشد: دادمرزی، سید مهدی، حقوق خانواده اسلامی در ۳۸ کشور جهان، قم: انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۹۰.

3. Pew research center

4. <https://www.pewresearch.org/religion/2011/01/27/the-future-of-the-global-muslim-population>

از «جهان اسلام» در گفته‌ها و نوشته‌ها به همان معنای ارائه شده از «کشورهای اسلامی» منصرف باشد.

۳. خاستگاه و جایگاه «حقوق خانواده» در کشورهای اسلامی

«حقوق خانواده» به ویژه برای مخاطبان اصلی پژوهش حاضر، نیاز به تشریح زیادی ندارد. حقوق خانواده از منظر فقهی، رشته‌ای نوپیدا در فقه معاصر بوده که به «فقه العائله» یا «فقه الاسره» مشهور است. در اصطلاح حقوقی، حقوق خانواده با اکثر مسائل آن، شاخه‌ای کاملاً حقوقی از رشته حقوق خصوصی و جزو احوال شخصیه است که نباید آن را با رشته‌های میان‌رشته‌ای مانند: «زن و خانواده» یا «مطالعات زن و خانواده» اشتباه گرفت. با این حال سایر رشته‌های حقوق همچون حقوق جزا در مباحثی مانند جرایم علیه خانواده، حقوق بین‌الملل خصوصی در موضوعاتی مانند تابعیت زوجین، حقوق عمومی در مطالبی مانند حمایت از زنان سرپرست خانواده و بیمه آنها و نیز بخش‌هایی دیگر از احوال شخصیه مانند ارث، در عرصه مربوط به خانواده ورود پیدا می‌کنند. عمده مقررات اساسی و ماهوی حقوق خانواده ایران برخلاف پاره‌ای کشورها از جمله کشورهای عربی، در متن قانون مدنی آمده است؛ و نه قوانین جداگانه خانواده یا قوانین احوال شخصیه! محورهای اصلی حقوق خانواده در فقه و حقوق را عناوین: ازدواج، انحلال نکاح و اولاد تشکیل می‌دهند.

حقوق موضوعه و از جمله شاخه حقوق خانواده در اصطلاح امروزی آن در کشور ایران همزاد با مشروطیت است. با این حال در مهم‌ترین متن قانونی بعد از مشروطیت، یعنی قانون اساسی و مشخصاً متمم آن، به لزوم انطباق مقررات موضوعه با احکام و مقررات دین اسلام تصریح شده بود. در اصل اول از متمم قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶ قمری در ارتباط با قوانین موضوعه مجلس شورا چنین آمده است: «باید در هیچ عصری از اعصار، مواد قانونیه آن مخالفی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه خیرالانام نداشته باشد...». روشن است که در تمام نظام‌های حقوقی امروز جهان، «قانون» مهم‌ترین منبع حقوق به‌شمار می‌آید. در ایران، اولین جوانه‌های قانون‌نویسی به شیوه نوین، از دل متون فقهی شیعی سر برآورد و قانون مدنی ایران که در سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۴ شمسی تصویب شد، «اساس حقوق جدید ایران» نامیده شده است (شایگان، ۱۳۲۴، ج ۳، ص ۳۵). این قانون آنچنان برگرفته از فقه بوده که آن را در همان زمان، «ترجمه عبارات فقها» نامیده‌اند (همان، ص ۴۰). این پیوند چنان طبیعی و معقول بود که حتی در عصر حاکمیت طاغوت و با تأثر از آموزه‌های سکولاریسم^۱ و لائسیته^۲، پاره‌ای از نویسندگان حقوقی همراه همان روند در آن دوران، به شتاب گرفتن روند عرفی کردن مقررات شرعی در قالب وضع قوانین موضوعه و به عاریه گرفته شده از نظام‌های غیردینی اعتراض می‌کردند. نمونه زیر شاهدهی خواندنی بر این مدعا است: «قانون حمایت از خانواده سال ۴۶ و ۵۳ نشان می‌دهد که قانون به سمت لائیک شدن

1. Secularism

2. Laïcité

(لامذهبی شدن) پیش می‌رود. بر فرض که انتخاب این مسیر را به مصلحت جامعه بدانیم، مسائل خانواده باید آخرین جنبه زندگی باشد که لایک می‌گردد» (تابنده، ۱۳۵۴، ص ۳۵).

وضعیت یاد شده در حقوق خانواده کشورهای اسلامی نیز قابل مشاهده است. در اصل ۱۰ قانون اساسی مصر (الدستور المصری المعدل ۲۰۱۹)، اصل ۹ قانون اساسی کویت (الدستور دولة الكويت) و اصل ۱۵ قانون اساسی امارات (دستور الدله الامارات العربیه المتحده) با عباراتی یکسان آمده است: «خانواده، اساس جامعه بوده و قوام آن به دین، اخلاق و میهن‌پرستی است». اصل ۲۹ قانون اساسی عراق (دستور جمهوریه العراق) نیز دولت را محافظ ارزش‌های دینی، اخلاقی و میهن‌پرستانه خانواده به عنوان اساس جامعه معرفی می‌کند. اصل ۱۲ قانون اساسی عمان (دستور سلطنه عمان ۱۹۹۶م)، «تنظیم سازوکار مراقبت از موجودیت شرعی خانواده» و بند ۴ اصل ۶ قانون اساسی اردن (الدستور الاردنی المعدل ۲۰۱۶م)، «حفظ هویت شرعی خانواده» را از وظایف قانون دانسته است. همچنین اصل ۱۰۵ قانون اساسی اردن، رسیدگی به مسائل مربوط به احوال شخصیه مسلمانان را در صلاحیت انحصاری محاکم شرعی قرار داده است (الدستور الاردنی المعدل ۲۰۱۶ م). در اصل ۱۸ قانون اساسی کویت و اصل ۱۱ قانون اساسی عمان، در راستای تاکید بر انطباق یکی از سرفصل‌های مهم احوال شخصیه یعنی ارث - که زوجیت یکی از اسباب مورد اتفاق آن در تمام مذاهب اسلامی است - با حقوق اسلامی، به گونه‌ای مجزا تاکید شده و چنین آمده است: «... و مسأله ارث و میراث حقی است که شریعت اسلام بر آن حکومت دارد» (الدستور دولة الكويت).

۴. جنبه‌های متفاوت قوانین حقوق خانواده ایران و کشورهای اسلامی

در بررسی‌های مقایسه‌ای میان حقوق خانواده ایران با سایر کشورهای اسلامی، با وجود اشتراک قوانین خانواده ایران و کشورهای اسلامی در اصل اتخاذ عمده مقررات یاد شده از فقه اسلام، باید به اقتضانات متفاوت روش‌شناسی پژوهش در فقه شیعه نسبت به فقه عامه و نیز تفاوت نوع مذهب فقهی حاکم در نظام حقوق خانواده کشورهای اسلامی سنی نسبت به هم، توجه داشت. تفاوت‌های یاد شده موجب می‌شود تا گزاره‌هایی که در قالب قوانین مستخرج از فقه در کشورهای یاد شده در قلمرو حقوق خانواده یافت می‌شود، در عین داشتن اشتراک، تفاوت‌هایی نیز با هم داشته باشند. خوشبختانه به دلیل اجماع تمام مذاهب فقهی اسلامی بر مرجعیت برتر قرآن کریم و انعکاس این مهم در قوانین کشورهای اسلامی مورد بررسی و تمرکز محور پژوهش حاضر بر مفاهیم و مبادی تصویری برگرفته از قرآن در قوانین خانواده کشورهای مورد مقایسه به جای گزاره‌های فقهی چالش‌خیز، از تاثیر تمایز یاد شده در پژوهش حاضر کاسته می‌شود. همچنین براساس آنچه اشاره شد، این تفاوت هم قابل ذکر است که به لحاظ شکلی، اساس مقررات ماهوی مربوط به خانواده در کشور ایران از آغاز قانون‌نویسی مدرن در مشروطیت تاکنون، در متن قانون مدنی به عنوان مهم‌ترین قانون مادر (دادمرزی، ۱۳۹۸، ص ۱۲) در نظام حقوقی

کشور تعبیه شده است؛ در حالی که در کشورهای اسلامی، این مقررات به عنوان بخش قابل توجهی از «احوال شخصیه» در «قوانین احوال شخصیه» این کشورها منعکس است.

۵. گستره مفاهیم قرآنی قابل رصد در قوانین خانواده کشورهای اسلامی

موضوع اصلی در احوال شخصیه، خود شخص «انسان» است برخلاف احوال عینیه که در آن، «مال» نقش اساسی دارد (شفایی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۷-۲۶۴). انسان نیز با باورها و اعتقاداتش است که تشخیص و تمایزی فراتر از ظاهر پیدا می‌کند. بر این اساس، مقررات احوال شخصیه یا حقوق خانواده در هر جامعه‌ای نمی‌تواند به معتقدات انسان‌های آن جامعه بی‌تفاوت باشد. از آنجا که مقررات مربوط به احوال شخصیه کشورهای اسلامی به لحاظ ماهیت با اعتقادات و باورهای مذهبی اسلام به عنوان دینی شریعت‌مدار درهم تنیده است و زبان قرآن، عربی بوده و قانون مدنی ایران نیز به جهت اقتباس و بلکه ترجمه فراگیر از فقه اسلام، از مفاهیم و اصطلاحات فقهی و قرآنی در این قلمرو، سرشار است؛ لذا، انتظار می‌رود مفاهیم مورد استعمال در قوانین خانواده کشورهای اسلامی با بسیاری از الفاظ و مفاهیم قرآنی در این حوزه، قرابت داشته باشد. فهرست زیر بیانگر نمونه‌هایی از الفاظ و مفاهیم قرآنی دارای قابلیت به‌کارگیری در متون قانونی این کشورها یا مصادیقی است که بالفعل مورد استفاده مقنن واقع شده است: نکاح، زواج، متعه، زنا، سفاح، فاحشه، منکر، احصان، طیب، خبیث، صداق، نحل، مودت، رحمت، سکونت، لباس، مباشرت، تماس، دخول، فروج، عورات، امساک، معروف، احسان، تسریع، مولود له، دعی، کلاله، سید، قوام، ارضاع، تشاور، رزق، کسوه، ربیبه، حائل، جمع بین اختین، عده، حیض، قرء، یاس، طهر، نشوز، شقاق، تحکیم، اصلاح، توفیق، طلاق، لعان، ایلاء، ظاهر ... در پژوهش حاضر از میان عناوین یاد شده و مشتقات آنها فقط سه عنوان اول یعنی: «نکاح، زواج و متعه» که هر سه ناظر به ازدواج است، آن هم فقط در قوانین خانواده شش کشور اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است.

۶. «ازدواج» به مثابه مصداقی از تاثیر مفاهیم قرآنی در قوانین خانواده کشورهای اسلامی

در کشورهای اسلامی وقتی اسلام و شریعت اسلامی به عنوان یک باور دینی که در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی دارای حکم است، در بالاترین مرتبه قانونی یعنی قانون اساسی مورد تاکید قرار می‌گیرد؛ بسیار طبیعی است که حوزه حقوق خانواده در بسیاری از مفاهیم و مسائل آن متأثر از دین اسلام در کلیت خود باشد. در ادامه، از منظر قرآن کریم، نمونه‌هایی از مفاهیم به‌کار رفته در مقررات حقوق خانواده کشورهای اسلامی موردنظر پژوهش حاضر معرفی می‌شوند. روشن است که چون قرآن کریم به «عربی مبین» (شعراء، ۱۹۵؛ نحل، ۱۰۳) و به «لسان قوم» (ابراهیم، ۴) سخن می‌گوید، ممکن است احتمال داده شود که مفاهیم به‌کار رفته در قرآن، متخذ از مفاهیم مورد استعمال در جامعه عربی باشد و از بُعد مفهومی، تأسیسی قرآنی در قلمرو مفاهیم به‌شمار نیاید. بررسی دقیق نشان خواهد داد که این احتمال

تا چه اندازه واقعیت دارد و قرآن کریم این مفاهیم را در هاضمه ارزشی و هدایت‌گرانه خود بازتولید کرده است یا خیر؟! رکن رکن حقوق خانواده و سنگ‌بنای عمده مباحثی که پیرامون آن در قوانین مربوط به حقوق خانواده مطرح می‌شود، نکاح یا همان ازدواج است. در اینجا مطابق رویکرد و راهبرد پژوهش، ابتدا موضوع نکاح را از منظر قوانین کشورهای عربی معهود و به دنبال آن ایران، گزارش کرده و در آخر به گونه‌ای مقایسه‌ای، ابعاد تأثیر قوانین آنها از قرآن کریم در موضوع نکاح مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۶-۱. کشورهای عربی

در قانون احوال شخصیه عراق، لفظ «النکاح» به کار نرفته و برای رساندن معنای ازدواج از واژه «الزواج» استفاده شده است و در بند ۱ ماده ۳ قانون مزبور، ازدواج چنین تعریف شده است: «الزواج عقد بین رجل وامرأة تحل له شرعاً؛ غایتها انشاء رابطة الحياة المشتركة والنسل»، «ازدواج، عقدی است میان مرد و زنی که شرعاً بر او حلال است و هدف از آن، ایجاد زندگی مشترک و نسل است». در قانون احوال شخصیه امارات متحده عربی نیز لفظ نکاح یافت نمی‌شود و از واژه «الزواج» استفاده شده است. در ماده ۱۹ قانون یاد شده، تعریف ازدواج به این صورت است: «الزواج عقد یفید حل استمتاع أحد الزوجین بالآخر شرعاً، غایتها الاحصان وإنشاء أسرة مستقرة برعاية الزوج، علی أسس تکفل لهما تحمل أعبائهما بمودة ورحمة»، «ازدواج عقدی است که به موجب آن کام گرفتن هریک از زوجین از دیگری شرعاً حلال می‌شود و هدف از آن حفظ پاکدامنی و ایجاد خانواده به سرپرستی شوهر، به اتکای بنیان‌هایی است که سختی‌های تشکیل خانواده را برای زوجین به همراه مودت و رحمت متکفل می‌گردد». در قانون احوال شخصیه اردن بدون استعمال واژه نکاح، طی ماده ۵ در تعریف «زواج» آمده است: «الزواج عقد بین رجل وامرأة تحل له شرعاً لتكوين أسرة و ایجاد نسل»، «ازدواج عقدی است میان مرد و زنی که شرعاً بر او حلال است؛ برای تشکیل خانواده و ایجاد نسل». قانون احوال شخصیه کویت فقط از لفظ زواج استفاده کرده و در ماده ۱ این قانون در تعریف آن چنین آمده است: «الزواج عقد بین رجل وامرأة تحل له شرعاً، غایتها السكن والاحصان وقوه الامة»، «ازدواج عقدی است میان مرد و زنی که شرعاً بر او حلال است و هدف از آن، آرامش، پاکدامنی و تقویت ملت است» (مجموعه التشريعات الكويتية، الجزء الثامن). قانون احوال شخصیه عمان نیز بدون آنکه لفظ نکاح را در سرتاسر این قانون استعمال کند، در ماده ۴، زواج را عیناً مشابه تعریف ماده ۱۹ قانون احوال شخصیه امارات که به آن اشاره شد، تعریف کرده است.^۱ به علت ممنوعیت نکاح موقت در مکاتب اهل سنت، تعاریف مزبور صراحتاً یا ضمناً فقط نکاح دائم را شامل می‌شود. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در قوانین کشورهای عربی مورد مطالعه، نکاح صریحاً تعریف شده، ماهیت آن، عقد دانسته شده، دائمی بودن نکاح به تصریح نیاز نداشته، و به ابتدای تشکیل

۱. «الزواج عقد شرعی، بین رجل وامرأة، غایتها الإحصان وإنشاء أسرة مستقرة، برعاية الزوج، علی أسس تکفل لهما تحمل أعبائهما بمودة ورحمة» (مرسوم السلطانی رقم ۹۷/۳۲ باصدار قانون الاحوال الشخصیه، عمان: ۱۹۹۷)

خانواده بر ازدواج تاکید شده است.

۶-۲. ایران

در قانون مدنی ایران با آنکه عبارات: زوجیت، تزویج، مزاجت، زوج، زوجه و زوجین به کار رفته است؛ اما واژه «زواج» هرگز استعمال نشده و به جای آن، واژگان «نکاح» ۶۸ مرتبه و «ازدواج» ۲۲ مرتبه در عناوین کتاب‌ها، ابواب، فصول و مواد این قانون به کار رفته است. قانون مدنی ایران تنها قانون مدنی دولتی و رسمی در جهان است که براساس آموزه‌های فقه امامیه، نکاح مورد حمایت قانون را به دو نوع دائم و منقطع تقسیم کرده و برخلاف ترکیب «نکاح دائم» که در این قانون یک مرتبه هم به آن اشاره نشده، چهار مرتبه ترکیب «نکاح منقطع» در مواد ۱۰۷۶ و ۱۰۷۷ و ۱۰۹۵ و ۱۱۵۲ و یک مرتبه «عقد منقطع» طی ماده ۱۰۴۸ در آن مشاهده می‌شود و هرگز از عبارت ازدواج یا «نکاح موقت»، علی‌رغم شهرت آن در دکترین و رویه قضایی استفاده نکرده است. از نکات قابل توجه اینکه قانون مدنی ایران به لفظ «متععه» که براساس فقه شیعه مستند به آیه ۲۴ سوره مبارکه نساء (معروف به «آیه متععه») می‌باشد، برای معرفی این قسم ازدواج، اعتناء ندارد؛ اگرچه در مواد ۱۰۹۳ و ۱۰۹۴ دو مرتبه ترکیب «مهر المتععه» را که ربطی به عقد موقت ندارد، به کار برده است. با این حال به نظر می‌رسد اطلاق کلمه نکاح یا ازدواج در این قانون آنجا که هیچ قرینه‌ای یا انصرافی در کار نباشد، شامل هر دو نکاح یاد شده می‌شود. از آنجا که نکاح دائم و منقطع هر دو در ایجاد رابطه زن و شوهری یا همان علقه زوجیت مشترک هستند، لذا، به نظر می‌رسد «اصل» بر اشتراک احکام عقد دائم و موقت در قانون مدنی است؛ با این حال، مقنن ترجیح داده است در بیشتر مواردی که ناظر به عقد منقطع است، به آن تصریح کند و بدین وسیله، عقد منقطع را در حاشیه توجه خود قرار دهد. در هر حال در قانون مدنی ایران به اتکای بدهات مفهوم نکاح، هرگز تعریف صریحی از نکاح یا ازدواج، ارائه نشده است. عبارات سکونت، مودت و رحمت نیز اساساً در هیچ کجای قانون مدنی ایران به کار نرفته است. البته پاره‌ای از حقوق‌دانان تعبیر «مبانی خانواده» مذکور در ماده ۱۱۰۴ ق.م.را که طی آن زوجین مکلف به تشیید آن شده‌اند، عبارت از عشق و علاقه زن و شوهر به یکدیگر می‌دانند که معاضدت در تشیید آن موجب می‌شود خانواده از یک تأسیس حقوقی صرف، به یک پیوند ناگسستی مبتنی بر محبت تبدیل شود (امامی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۴۳۱). حقوق‌دان دیگری نیز با همین رویکرد، ماده یادشده را تفسیر و اظهار می‌کند که اُلفت و التیام و تفاهم، اولین سنگ‌بنای خانواده است که سوء معاشرت، موجب درهم ریختن آن شده و جدا از تکلیف به حُسن معاشرت مقرر در ماده ۱۱۰۳ ق.م است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ص ۱۶۰). به نظر می‌رسد تلاش‌های یاد شده و غیر آن برای تعریف نکاح (امامی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۲۶۸؛ محقق داماد، ۱۳۶۵، ص ۲۲؛ کاتوزیان، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۰؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ص ۳-۵؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۲۱۹) نمی‌تواند خلاء تعریف نکاح در قانون مدنی را جبران نماید.

۳-۶. مقایسه و تبیین

قوانین احوال شخصیه کشورهای عربی مورد مطالعه، برخلاف قانون مدنی ایران، خود را متعهد به تعریف صریح ازدواج دانسته‌اند. این رویکرد که راه را برای شناسایی ماهیت نکاح می‌گشاید، از این مزیت نیز برخوردار است که سایر اشکال غیرازدواجی هم‌باشی یا ازدواج‌های میان غیر مذکر و مونث از ابنای بشر را ازدواج نمی‌داند. البته تصریح به شکل‌گیری خانواده براساس ازدواج در پاره‌ای از تعاریف قوانین کشورهای عربی یاد شده، از نقاط قوت قانون آن کشور نسبت به دیگر کشورهای عربی مورد مطالعه است. به نظر می‌رسد اگر این تصریح با تاکید بر انحصاری بودن ازدواج در پی‌ریزی خانواده همراه شود، بهتر می‌تواند زاویه نگاه خانواده‌دوست قوانین کشورهای اسلامی را برساند. نگاهی که مطابق باور و عمل قاطبه مردم کره زمین بوده و با ادعای رسانه‌ای و بزرگنمایی شده فرهنگ منحنط غربی، مبنی بر دگردیسی تعریف خانواده و سیال شدن مفهوم خانواده در دنیای مدرن، تعارض دارد (دادمرزی، ۱۳۹۴، ص ۱۱-۳۱؛ دادمرزی، ۱۳۹۳، ص ۵۴-۱۱۱).

همان‌طور که در قوانین کشورهای عربی مورد مطالعه ملاحظه می‌شود، هرگز در این قوانین از واژه «نکاح» استفاده نشده، و به جای آن، واژه «زواج» همواره مورد استعمال قرار گرفته است. از طرفی در قانون مدنی ایران به شرحی که گذشت، با وجود به‌کارگیری مشتقات زواج، اما همواره واژه نکاح به‌کار رفته و حتی یک بار هم از واژه زواج استفاده نشده است. شاید دلیل این مسأله، رعایت نزاکت در مقام قانون‌نویسی کشورهای عربی باشد؛ چراکه یکی از معانی واژه نکاح در زبان عربی، خصوص روابط جنسی (وطی) است؛ در حالی که در زبان فارسی، متفاهم عرفی از نکاح، همان پیوند ازدواج است، و نه وطی!! در هر حال نکته قابل توجه این است که در این باره قانون مدنی ایران بیشتر با تعبیر قرآنی همراهی کرده است، تا قوانین کشورهای عربی. توضیح اینکه، قرآن کریم سه بار واژه «النکاح» را به‌کار برده که در دو مورد آن با واژه «عقده» همراه است، که معنای عقد نکاح را برجسته می‌کند تا وطی (بقره، ۲۳۵، ۲۳۷). اگرچه یک مورد آن نیز بدون چنین پیشوندی است و می‌تواند توانایی برقراری رابطه جنسی را تداعی کند (نساء، ۶). دو بار نیز واژه «نکاحا» مورد استفاده قرار گرفته است که قطعاً مراد، خصوص رابطه جنسی نیست (نور، ۳۳، ۶۰). همچنین مشتقات بسیاری از ریشه «نکح» در قرآن یافت می‌شود که عمدتاً ناظر به همان عقد ازدواج است و نهایتاً ملزوم آن، که وطی مشروع باشد نیز می‌تواند قابل دریافت باشد. در این راستا، یک بار واژه «نکح» (بقره، ۲۳۰)، سه بار «نکحوا» (بقره، ۲۲۱؛ نساء، ۲۲؛ احزاب، ۵۳)، یک بار «نکحتم» (احزاب، ۴۹)، دو بار «نکحوهن» (نساء، ۱۲۷؛ ممتحنه، ۱۰) و یک بار «انکحوا» (نور، ۳۲) همه آحاد جامعه اسلامی را برای ترویج ازدواج مجردان بسیج کرده است: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»، «بی‌همسران خود، و غلامان و کنیزان درستکاران را همسر دهید. اگر تنگدست هستند، خداوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد، و خدا گشایش‌گر داناست».

اینها همه در حالی است که قرآن کریم حتی یک بار هم واژه «زواج» را نه در معنای لغوی آن یعنی زوج قرار دادن، و نه اصطلاحی آن به معنای زن و شوهر گردانیدن، استعمال نکرده است. البته بارها از مشتقات «زوج» برای بیان معنای لغوی زوج در برابر فرد استفاده کرده است (شوری، ۵۰) و در عین حال برای بیان اصطلاحی «زن و شوهر قرار دادن» نیز برای بیان ازدواج همسران در دنیا (احزاب، ۳۷) یا در بهشت و تزویج به حورالعین (طور، ۲۰؛ دخان، ۵۴) از آن بهره برده است.^۱ به نظر می‌رسد اصرار قرآن برای به‌کارگیری واژه نکاح و مشتقات آن، این است که به روشنی بیشتری خصوص معنای زن و شوهری را می‌رساند، تا زواج و مشتقات آن که جفت قرار دادن باشد؛ اعم از فرد نبودن یا زن و شوهر بودن. بر این اساس، به نظر می‌رسد قانون مدنی ایران ولو با عنایت به مفاهیم عرف جامعه فارسی‌زبان ایران، قرآنی‌تر عمل کرده است، تا کشورهای عربی مورد بررسی در این پژوهش! از ویژگی‌های مهم پاره‌ای از قوانین کشورهای اسلامی فوق‌الذکر، به‌کارگیری مفاهیم قرآنی: «مودت»، «رحمت» و «سکونت» در مقام تعریف نکاح است؛ نکته‌ای که در قانون مدنی ایران صراحتاً به چشم نمی‌خورد. ممکن است گفته شود کتاب قانون جای مفاهیم اخلاقی نیست و تعریف قانونی نیز باید ذات آن ماهیت را معرفی نماید و اغراض و اهداف را از ساحت تعریف، دور بدارد!! لکن باید گفت: وقتی تنها عقدی که اطراف آن به عنوان دو انسان، عیناً دو موضوع آن را تشکیل می‌دهند و اساسی‌ترین نقش را در پایداری این عقد، التئام روحی زوجین تأمین می‌کند و تمام نظام‌های حقوقی از تضمین رابطه خوشبخت میان زن و شوهر با حربه قانون ابراز عجز می‌نمایند؛ جا دارد که در کتاب قانون نیز به گونه‌ای استثنایی به این رابطه استثنایی از منظر فراحقوقی عطف توجه شود.^۲

۱. البته در دو آیه قرآن کریم (دخان، ۵۵؛ طور، ۲۰) که در آن‌ها عبارت «زوجناهم بحور عین» استفاده شده و مربوط به تزویج «حورالعین» در بهشت است؛ به معنای قرین قرار دادن حورالعین و مومنین به کار رفته که مطابق معنای اصلی زوج که همان قرین است، می‌باشد، و در نتیجه، تزویج در این آیات یعنی قرین قرار دادن، نه آنکه نکاح اصطلاحی مراد باشد؛ چراکه نکاح به معنای اعتبار در بهشت معنا ندارد! آوردن حرف اضافه «باء» بر سر «حور» نیز موید این معنا است؛ وگرنه در جای دیگر قرآن که از کلمه تزویج در معنای عقد نکاح استفاده شده است، از حرف اضافه استفاده نشده و فعل تزویج، مستقیم بر سر مفعول آمده و عبارت «زوجناکها» (احزاب، ۳۷) به‌کار رفته است (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۱۸، ص ۲۲۸؛ ج ۱۹، ص ۱۶).

۲. ارضای روحی و عاطفی از بدیهی‌ترین کارکردهای ازدواج و تشکیل خانواده است که حتی طرفداران فمینیسم نیز آن را از آرمان‌های اساسی خانواده می‌دانند. این کارکرد در قرآن کریم به گونه‌ای جهت‌دار و متعالی، صریحاً مورد تأکید قرار گرفته است. قرآن کریم می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَجَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (اعراف، ۱۸۹)، «اوست که همه شما را از یک تن بیافرید و زوجش را نیز از همان قرار داد تا به او آرامش یابد». همچنین قرآن در جای دیگر به گونه‌ای کامل‌تر به این مسأله اشاره کرده و می‌فرماید: «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه ان فی ذلک لآیات لقوم یفکرون» (روم، ۲۱)، «و از نشانه‌های خداوند این است که از جنس خودتان برایتان همسرانی آفرید، تا بدانها آرامش بیابید و بین شما مودت و رحمت برقرار کرد. همانا در این امر برای کسانی که تفکر می‌کنند، نشانه‌هایی است». شاید طرح جداگانه سکونت در کنار مودت و رحمت در آیات یاد شده است که موجب گردیده تا برخی از

اندیشمندان، پیدایش آرامش روانی میان همسران را هدفی جدا از پیدایش مودت و رحمت به حساب آورند (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۳۱۰-۳۱۱). اهمیت عواطف زن و مرد نسبت به هم به اندازه‌ای است که برخی اندیشمندان اعتقاد دارند علاقه پدر و فرزند یا برادر و خواهر، فرع بر علاقه و صمیمیت زن و شوهر است (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۴۳). البته از نظر برخی مفسران، مخاطب این آیه مردان بوده و در نتیجه زنان هستند که آرامش‌بخش معرفی شده‌اند، و نه مردان! با این حال، نظر اکثر مفسرین و از جمله علامه طباطبایی آن است که آیه یاد شده بر مشترک بودن ویژگی آرامش‌بخشی میان زن و مرد دلالت دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۱۶۶؛ زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸، ص ۸۷-۸۹). از دیدگاه قرآن، اصولاً خلقت انسان‌ها جفت‌جفت است. «وَحَلَقْنَاهُمْ أَزْوَاجًا» (نبا، ۸)، «ما شما را جفت‌جفت آفریدیم». «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا» (فاطر، ۱۹)، «خداوند شما را از خاک و سپس از نطفه آفرید و شما را جفت‌جفت گردانید». «فَاطِرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (شوری، ۱۱)، «خداوند، آفریدگار آسمان‌ها و زمین است و برای شما از جنس خودتان جفت‌هایی قرار داده و برای چارپایان نیز از جنس خودشان جفت‌هایی آفریده است. این جفت قرار دادن، وسیله تکثیر نسل‌های شماست و هیچ چیز مانند خدا نیست». قرآن با اینگونه تعبیرات، در حقیقت به فلسفه اساسی تشکیل خانواده اشاره کرده است. درست است که جفت‌گرایی - به تصریح قرآن - در میان حیوانات نیز هست، اما در مورد حیوانات، صحبت از اینکه جفت‌ها وسیله سکون و آرامش یکدیگرند و در میان آنها مودت و رحمت قرار داده شده است، نیست (بهشتی، ۱۳۸۸) به بیان دقیق‌تر، در منطق قرآن کریم، زوجیت گاهی اعتباری است، مثل ازدواج؛ گاهی تکوینی است که شامل گیاه (الرحمن، ۵۲)، حیوان (زمر، ۶) و تمام اشیاء می‌شود (ذاریات، ۴۹)، که خداوند میان آن‌ها در خلقت جاذبه ایجاد کرده است، چه در محدوده علم ما داخل شده باشد، چه نشده باشد (یس، ۳۶). در این میان، زوجیت میان اعداد، داخل در مقوله کیف است و از سنخ مقوله و ماهیت است، و نه مفهوم اعتباری. زوجیت در بهشت هم امری غیراعتباری است؛ زیرا در بهشت، تشریع و اعتبار وجود ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۱۷، ص ۱۰۹). از آنجا که قرآن کریم به طور مطلق و فارغ از قیودی چون ایمان و مانند آن از ویژگی‌های یادشده سخن گفته است، لذا می‌توان گفت: وسیله سکون و آرامش یکدیگر بودن همسران حتی به ایمان آنها هم بستگی ندارد؛ اگرچه ایمان، در تحصیل مراتبی از آرامش که قرآن از آن به «سکینه» تعبیر کرده، نقش آفرین است. همچنین با وجود اینکه سکونت و مودت و رحمت، فطری و مجعول به قلم جعل جبلی خداوند است، با این حال در بعضی از خانواده‌ها چنین خواصی مشاهده نمی‌شود، یا بروز چندانی ندارد از این‌رو سوال می‌شود که چگونه امری تکوینی، فاقد مابه‌ازای خارجی لااقل در پاره‌ای موارد است؟ پاسخ آن است که این عیب و گناه انسان‌هاست که با دور ماندن از اقتضای آفرینش و الهام نگرفتن از وحی الهی، و فراهم کردن موانعی بر سر تاثیر چنین اقتضای جبلی، موجب چنین محرومیتی شده‌اند؛ درست مثل نیروی جاذبه که با ایجاد موانعی بر سر تاثیر آن می‌توان اشیاء را به جای آنکه به سمت کانون انجذاب سرازیر شوند، به سمت مخالف با آن به حرکت درآورد. توجه به این نکته ضرورت دارد که زوج بودن خلقت انسان‌ها و آثار تکوینی مترتب بر آن به معنای بی‌نیازی ایشان از عقد نکاح نیست؛ بلکه شارع مقدس، جهت ترتب آثار و احکامی خاص برای ایجاد انضباط فردی و اجتماعی میان ابناي بشر، با مشروعیت‌بخشی به قالب نکاح در پی آن بوده است تا زوجیت اعتباری بر ریشه‌ای تکوینی مبتنی باشد. در واقع، خالقیت و شارعیت خداوند در کمال هماهنگی با هم است که تجلی‌گاه مودت، رحمت و آرامش آفرینی می‌شود. عقد نکاح حکم بذری را دارد که در بستر خلقت جفت‌جوی بشر، میوه سکونت و آرامش و نیز مودت و رحمت را به ماندگارترین وجه به بار می‌آورد، وگرنه ممکن است همان میل طبیعی و کشش جبلی در مواردی صحنه‌هایی پر جاذبه و خالصانه از عشق را میان زن و مردی که میان آن‌ها زوجیت اعتباری از طریق عقد نکاح به وجود نیامده است، رقم بزند؛ اما نگاه شارع به مصلحت نوعی فرد و اجتماع چنان بوده که زوجیت تکوینی و اعتباری در التام با یکدیگر عهده‌دار بروز چنین عواطفی در ماندگارترین شکل ممکن و پیشاپیش ترسیم شده آن باشند. امام خمینی در فروردین سال ۱۳۱۲ شمسی، زمانی که با کشتی عازم سفر حج تمتع بودند، در بیروت نامه‌ای

همچنین به نظر می‌رسد تعابیر قرآنی بلندی چون جعل مودت و رحمت در روابط زن و شوهر، به عنوان شالوده خانواده نیز با گذرا بودن عقد موقت با فرض مشروعیت قانونی ایران- به خصوص با عنایت به غالب مصادیق خارجی آنکه گاهی چند ساعت بیشتر بقاء ندارد- سازگار نیست. شاید برخی از مفسرین هم که فوراً بعد از تعبیر قرآنی «میثاقاً غلیظاً»، عبارت «علی دوام النکاح» را اضافه می‌کنند، همین برداشت را می‌پذیرند (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۸۱). همچنین نظر به متفاهم عرفی، شاید بتوان بسیاری از الفاظ وارد شده در مدح ازدواج به عنوان سنگ بنای خانواده و توصیه به آن در روایات را منصرف از نکاح موقت دانست، ولو اینکه با نظر دقیقی هر دو را در اصل زوجیت، هرچند به نحو تشکیکی مشترک بدانیم. همین انصراف نسبت به پاره‌ای تعابیر در قانون مدنی مانند ماده ۱۱۰۵ نیز قابل احتمال است.

نکته قابل ذکر دیگر اینکه، قوانین کشورهای عربی چون در مقام تعریف نکاح برآمده‌اند، صراحتاً عقد بودن این رابطه را مورد تصریح قرار داده‌اند. قانون مدنی ایران نیز با آنکه صراحتاً نکاح را تعریف نکرده است، اما با به‌کار بردن ترکیب «عقد نکاح» در مواد متعدد مانند: ۱۰۴۱، ۱۰۹۸، ۱۰۸۱، ۱۰۷۱، ۱۱۰۱، ۱۱۲۰ ... و یا «عقد ازدواج» در ماده ۹۸۷ و الفاظ ایجاب و قبول در ماده ۱۰۶۲ و غیر آن برای بیان سبب انحصاری وقوع نکاح و... تردیدی در عقد دانستن نکاح باقی نگذاشته است. مع الوصف، هم کشورهای عربی یاد شده و هم ایران، از استعمال قالب میثاقی که قرآن برای بیان نکاح به‌کار برده، غفلت کرده‌اند. قرآن کریم با آنکه واژه عقد و عهد را به صورت مفرد یا جمع به‌کار برده، اما برای معرفی قالب ازدواج از ترکیب «میثاق غلیظ» استفاده کرده است. اهمیت این نکته اقتضای تبیین بیشتری را دارد که در ادامه به آن اشاره

برای همسرش خدیجه ثقی - که دومین فرزند را در بطن خود داشتند- نوشتند که بدین شرح است: تصدقت شوم، الهی قربانت بروم، در این مدت که مبتلای به جدایی از آن نور چشم عزیز و قوت قلبم گردیدم، متذکر شما هستم و صورت زیبایت در آینه قلبم منقوش است. عزیزم، امیدوارم خداوند شما را به سلامت و خوش در پناه خودش حفظ کند. [حال] من با هر شدتی باشد، می‌گذرد؛ ولی بحمدالله تاکنون هرچه پیش آمد، خوش بوده و الان در شهر زیبای بیروت هستم. حقیقتاً جای شما خالی است، فقط برای تماشای شهر و دریا خیلی منظره خوش دارد. صد حیف که محبوب عزیزم همراه نیست که این منظره عالی به دل بچسب. ... خیلی سفر خوبی است، جای شما خیلی خیلی خالی است. دلم برای پسر [سید مصطفی] قدری تنگ شده است. امید است که هر دو به سلامت و سعادت در تحت مراقبت آن عزیز و محافظت خدای متعال باشند ... ایام عمر و عزت مستدام. تصدقت، قربانت؛ روح‌الله (امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲). گذرا بودن ذاتی عشق‌های خارج از ازدواج و تکیه‌گاه قابل اعتماد نبودن آن‌ها برای ایفای نقش‌هایی که بدان اشاره شد، تأییدی بر این برداشت است. یک مطالعه که در سوئد با هدف بررسی زندگی مشترک غیررسمی انجام شد، نرخ جدایی زوج‌های ازدواج کرده و ازدواج نکرده با حداقل یک بچه را مقایسه کرد: میزان جدایی زوج‌های ازدواج نکرده، تقریباً سه برابر افراد ازدواج کرده بود. همچنین براساس مطالعه‌ای که چند سال قبل نسبت به زنان سوئد توسط اداره ملی پژوهش‌های اقتصادی ایالات متحده انجام گرفت، نشان داد زوج‌هایی که قبل از ازدواج با هم زندگی می‌کردند، نرخ طلاق نزدیک به ۸۰ درصد بالاتر از سایرین داشته‌اند (رفیعی، ۱۳۸۴).

می‌شود. قرآن کریم در سوره نساء (آیه ۲۱) نکاح را «میثاق غلیظ» دانسته است: «و اخذن منکم میثاقاً غلیظاً»، «زنان از شما مردان میثاقی غلیظ گرفته‌اند». «میثاق» را در لغت، عهد و پیمانی دانسته‌اند که با سوگند استوار می‌شود؛ امری که آرامشی همراه با استواری را با خود دارد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۳، ص ۲۶). کلمه «میثاق» بارها در قرآن استفاده شده است که یک بار آن در مورد ازدواج است. ترکیب «میثاقاً غلیظاً» تأکیدی مضاعف نسبت به استحکام یک پیمان را می‌رساند و سه بار در قرآن به کار رفته که به ترتیب بر: میثاق خدا از بنی اسرائیل (نساء، ۱۵۴)، میثاق خدا از پیامبران اولوالعزم (احزاب، ۷) و پیمان ازدواج (نساء، ۲۱) تطبیق شده است. با وجود غفلت کشورهای مورد بررسی از قالب میثاقی که قرآن برای ازدواج ارائه می‌کند، جای بسی شگفتی است و چه بسا از مصادیق علمی قرآن کریم در قرن ۲۱ باشد که در مقررات برخی از کشورهای غربی، از قالب میثاقی برای ازدواج استفاده شده است!! به عنوان نمونه، در سال ۱۹۹۷م. در لویزیانا، قانونی با عنوان «میثاق ازدواج»^۱ به عنوان جایگزین «ازدواج معمولی»^۲ تصویب شده است که براساس آن، طرفین توافق می‌کنند که پیش از ازدواج برای مشاوره نزد مقام روحانی یا مشاور ازدواج حاضر شوند و اینکه جز براساس تقصیرهای سنتی، ازدواج خود را منحل نکنند. در همین راستا، در سال ۱۹۹۸م. نیز قانونی در فلوریدا تصویب شد که به موجب آن دانش‌آموزان دبیرستانی ایالت، باید موادی درسی را در مورد ازدواج و مهارت‌های زندگی فراگیرند و نیز نامزدها موقتاً تشویق شوند تا ماده درسی آمادگی پیش از ازدواج را پیرامون موضوعاتی چون شیوه برخورد با مشکلات، مهارت‌های ارتباطی، مسئولیت‌های مالی، پرورش فرزندان و... بگذرانند؛ به طوری که چنین اشخاصی از تخفیف هزینه‌های ثبتی مربوط به دریافت گواهی ازدواج برخوردار می‌شوند و به تمام متقاضیان گواهی ازدواج کتابچه‌ای آماده شده توسط کانون وکلای فلوریدا داده می‌شود که در آن اطلاعاتی راجع به حقوق و مسئولیت‌های زوجین در طول ازدواج و پس از طلاق نسبت به یکدیگر و فرزندانشان مطابق قوانین ایالت یادآوری شده است و به زوجین دارای فرزند که قصد جدایی از یکدیگر را دارند، تکلیف شده که ماده درسی را در مورد تحکیم خانواده بگذرانند. از آن تاریخ تاکنون علاوه بر قانونی شدن پدیده «میثاق ازدواج» در دو ایالت یاد شده و نیز ایالت آرکانزاس، همراه با پیش‌بینی امکان تبدیل ازدواج‌های سابق به این نوع ازدواج، در ۲۱ ایالت دیگر نیز پیشنهادهایی برای قانونی شدن این پدیده ارائه شده است (Gregory, Scheible & Swisher, 2005).

۷. نتیجه‌گیری

در قوانین اساسی کشورهای مورد مطالعه بر مرجعیت قرآن کریم در حقوق موضوعه کشور تأکید شده است. قوانین مربوط به خانواده و احوال شخصیه، به ویژه در کشورهای اسلامی با عنایت به گستره احکام اسلام و نیز ماهیت این قوانین که با اعتقادات و ایمان مذهبی مسلمانان پیوند عمیق دارد، به صورت

1. Covenant Marriage

2. Regular Marriage

فراگیری از اسلام گرفته شده است. مفاهیم قرآن کریم به عنوان عالی‌ترین منبع مورد اتفاق تمام مذاهب اسلامی در قوانین خانواده کشورهای اسلامی بازتاب دارد. در کشورهای اسلامی عربی مورد مطالعه که در همسایگی کشور ایران قرار دارند، ازدواج البته با عنوان «زواج» با وجود عدم تصریح به این عنوان در قرآن، به عنوان یک عقد، تعریف شده است. در این تعاریف از مفاهیم قرآنی مودت، رحمت و سکونت به صورت کاملاً آشکار استفاده و بر مذکر و مونث بودن دو طرف این رابطه که با وجود بداعت، به اشارات قرآنی مستظهر است، تصریح و بر ابتدای خانواده بر ازدواج توجه شده است و ازدواج با عنایت به تجویز تعدد زوجات در قرآن، تک‌همسرانه تعریف نشده است. در قانون مدنی ایران ازدواج به غیر عنوان زواج و بیشتر با عنوان نکاح که کاربرد قرآنی وسیعی دارد، مطرح گردیده، اما تعریف نشده است. در عین حال با تأثر از آیه متعه - البته براساس منطق اجتهاد در فقه امامیه - ازدواج موقت صرفاً با عنوان نکاح منقطع معرفی شده، و نه نکاح متعه که از خاستگاه قرآنی برخوردار است. با عنایت به عدم تعریف نکاح در قانون مدنی ایران، مفاهیم مودت، رحمت و سکونت نیز در تعریف نکاح، سالبه به انتفاع موضوع هستند. پیشنهاد می‌شود با راهبرد بهره‌برداری حداکثری از رویکرد قرآن کریم به مفهوم ازدواج و ابعاد آن، تعریف زیر در قانون مدنی ایران درج شود: «نکاح دائم، میثاق غلیظی است میان دو انسان مذکر و مونث، که آنها را زن و شوهر می‌کند و بر این اساس، خانواده تشکیل داده و زندگی خود را مبتنی بر مودت، رحمت و تحصیل آرامش، آغاز و تداوم می‌بخشند».

منابع

قرآن کریم.

- امامی، سید حسن (۱۳۶۳). حقوق مدنی. تهران: انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ج ۴.
- بهشتی، احمد (۱۳۸۸). خانواده در قرآن. قم: بوستان کتاب، چاپ یازدهم.
- تابنده، نورعلی (۱۳۵۴). مباحثی در مورد حقوق خانواده. کانون وکلا، شماره ۱۳۱.
- جعفر لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶). الفارقی. تهران: انتشارات گنج دانش، ج ۵.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۶). حقوق خانواده. تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ دوم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). تفسیر تسنیم. قم: اسراء، ج ۱۷.
- خمینی، سید روح الله (بی تا). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱.
- دادمزنی، سید مهدی (۱۳۹۳). ریاست خانواده در روابط زوجین. تهران: نشر میزان.
- دادمزنی، سید مهدی (۱۳۹۴). نقش اختلاف جنس متعاقدين در وقوع نکاح از منظر حقوق داخلی و غربی. جنسیت و خانواده، ۳(۲).
- دادمزنی، سید مهدی (۱۳۹۸). تعارض در قانون مدنی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با مشارکت مجلس شورای اسلامی، چاپ دوم.
- الدستور المصری المعدل ۲۰۱۹. قابل دسترس در: <https://manshurat.org/node/14675>
- الدستور الاردنی المعدل ۲۰۱۶. قابل دسترس در: https://www.constituteproject.org/constitution/Jordan_2016?lang=ar
- الدستور الاردنی المعدل ۲۰۱۶. قابل دسترس در: https://www.constituteproject.org/constitution/Jordan_2016?lang=ar
- دستور الدله الامارات العربیه المتحده. قابل دسترس در: <https://uaelegislation.gov.ae/ar/legislations/1000/download>
- دستور جمهوریه العراق. قابل دسترس در: <https://mofa.gov.iq/losangeles/wp-content/uploads/sites/85/2019/11/->
- الدستور دوله الكويت. قابل دسترس در: <https://www.kna.kw/Dostor/Dostor/15/37>
- دستور سلطنه عمان ۱۹۹۶. قابل دسترس در: <https://www.legal-tools.org/doc/d387e9/pdf>
- دیلمی، احمد (۱۳۸۱). مقدمه‌ای بر مبانی حقوقی - کلامی نظام سیاسی در اسلام. قم: پژوهشگاه فرهنگ و معارف.
- رفیعی، مریم (۱۳۸۴). انحطاط خانواده در دولت رفاهی سوئد. حوراء، شماره ۱۶.
- زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۸). هویت و نقش‌های جنسیتی (مجموعه مقالات). قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- شایگان، سید علی (۱۳۲۴). حقوق مدنی ایران. تهران: چاپخانه مجلس، ج ۳.
- شفایی، عبدالله (۱۳۸۲). احوال شخصیه در فقه و حقوق. فقه، ۱۰(۳۵).
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۱۹ق). البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن. قم: موسسه اسماعیلیان، ج ۱.

صادقی کوشکی، سید جعفر (۱۳۹۰). بررسی و نقد پنج دیدگاه مطرح درباره تعداد آیات الاحکام قرآن کریم. پژوهش‌های فقهی، ۷(۴).

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۵). ترجمه تفسیر المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱۸-۱۹.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ج ۱۶.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ج ۲.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۱). حقوق مدنی خانواده. تهران: شرکت انتشارات، ج ۱.

مجموعه التشریعات الكويتیه. الكويت: وزارة العدل، الجزء الثامن، ۲۰۱۱م.

محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۶۵). بررسی فقهی حقوق خانواده. تهران: نشر علوم اسلامی.

مرسوم السلطانی رقم ۹۷/۳۲ باصدار قانون الاحوال الشخصیه، عمان: ۱۹۹۷. قابل دسترس در:

<https://qanoon.om/p/1997/rd1997032>

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸). مشکات (پرسش‌ها و پاسخ‌ها ۱-۵). قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ پنجم.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ج ۱۳.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). یادداشت‌های استاد مطهری. تهران: انتشارات صدرا، چاپ چهارم.

Gregory, J.D., Scheible, S.L. & Swisher, P.N. (2005). *Understanding Family Law*. Lexis Nexis.